

« فرموده اند : ... »

« طعام عین ! »

« بیماع قلم »



- ۳..... غدیر در نگاه رهبری.....
- ۴..... حکایت.....
- ۹..... احیاء حسین<sup>(ع)</sup>.....
- ۲۷..... ساعات مخصوص توسل.....

- ۶..... خَبْرک.....
- ۲۶..... معرفی کتاب.....

- ۲..... سخن سردبیر.....
- ۵..... مباحثه.....
- ۱۰..... هی عصاک.....
- ۱۲..... الشعراء.....
- ۱۴..... محمّد<sup>(ص)</sup>، امین من است.....

« جوهر داغ ! »

« بیست به بالا »



- ۷..... موسیقی ؛ خیر، آری.....
- ۲۲..... بازاری که کساد است !.....
- ۱۶..... انقلاب مطبخ ها !.....

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه فاطمیه<sup>(س)</sup> بندرانزلی  
 مدیر مسؤول: مریم امامی  
 سردبیر: سونیا سجادی  
 همکاران نشریه: متین نبی زاده ، مهرناز زیادی  
 زهرا فولادی ، بتول جمشیدیان ، زهرا ارسونی ،  
 سونیا سجادی

- ۱۸..... اکسیر آرامش.....
- ۱۹..... یک قطره پند.....
- ۲۰..... شهره شهر.....
- ۲۴..... خورشید معرفت.....

## فقد استمسك بالعروه الوثقى ...

لاخذن  
الردبير

دلت میخواهد اول از خواص نیمه پر لیوان برایت بگویم یا نیمه دیگر پر از هوایش؟! خودمانیم، به اطراف که خوب نگاه میکنی زیادی نقصان و کار نیمه تمام شرعی بیداد می کند؛ نمی دانم چرا بعضی اوقات، طرح های عمرانی درون و بیرون با سرعت نور کند پیش می روند!؛ گویی که غلظت جاذبه ی زمین بیش از پیش شده، "نا" از قدم هایمان ربوده، سستی به آن بخشیده، مانده ی در کار دین و دنیاییم. در بین متقدمین، خستگی بعد از کار می آمد؛ در بین ما متأخرین قبل از کار!؛ سِرِّش چیست؟! و شاید بهتر باشد بپرسیم سودش؟!.

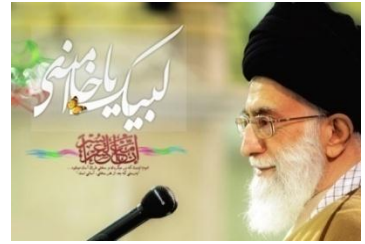
از آن طرف برخی دیگر، دو راهی افراط و تفریط در مقدسات می شود مروه و صفایشان!؛ با اجتهاد خود صفا میکنند! ... می روند ... می دوند ... و یادشان می رود که جاده پر است از تابلو های "با احتیاط عبور کنید"، گرم گفتگو با خدایی هستند که به سلیقه ی خود تراشیده اند!؛ البته از گفتار تندم اراده ی مطلق نشود که "اثبات یک شی نفی ما عدا نمی کند"، غلام همّت آنم - در این زمانه ای که هر کس به فکر وصل شب خود به روزش است - سر به زیر دارد و بر خط و صراط مستقیم الهی خود خرامان خرامان می دود! و هر از گاهی یک گوشه از فرش دل دیگری را گرفته و تکانی میدهد تا بی نصیب از آمر به معروف و ناهی از منکر شدن نباشد.

همسنگر، "ن ۹ القله" آمده است بگوید: جای فرع پشت میز اصل نیست، مستحب مأموم واجب است و واجب، امام او، جایشان قابل بدل نیست ...؛ تفسیر به رأی های بدون شناسه را که چپش مکروه و حرام، واجب و مباح و مستحب را بر هم زده اند باید حلاجی کرد ... باید که حیلت رها کرد ... عاشق شد ... آنهم دیوانه وار!.

و برای رهایی از این سیاه چالی که کرم های شب تاب، چلچراغ آن هستند چاره ای نیست جز همان که حضرتش فرمود: فقد استمسك بالعروه الوثقى ... .



## غدير در نگاه رهبری



مقام معظم رهبری ، حضرت آیت الله خامنه ای پیرامون عید غدیر فرموده اند : « روز عید غدیر که به نام عید ولایت نامیده می شود ، روزی است که مفهوم ولایت اسلامی ، به وسیله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد .

عید غدیر ، عید بسیار بزرگ و خاطره عظیم تاریخی است ... در کار غدیر باید هدف را مشخص کرد ؛ بنشینید و واقعا روی مسایل فکر کنید ؛ برای این کار وقت بگذارید . در کار فرهنگی غدیر ، باید مانند علامه امینی و مرحوم سید شرف الدین کار کرد که الغدیر و المرجحات را تحویل دادند . کسانی به درد غدیر می خورند که اهل این کار باشند : کار در مورد غدیر علاوه بر عمیق و گسترده بودن باید پیوسته

بودند بنابراین همه مردم بویژه جوانان ، باید در لحظه لحظه زندگی وجود پر عظمت مولای متقیان ، نور هدایت و سعادت را دریابند . گر چه به پیروی از امیرالمؤمنین مفتخریم ، لیکن خجلیم از این که با این انتساب ، نمی توانیم مایه آبرو و عزتی برای آن بزرگوار باشیم ، خیلی فاصله است بین ما و عملکرد و رفتارهای ما با درسی که امیرالمؤمنین به ما داد . در هر صورت عید غدیر عید ولایت است ، عبد سیاست است ، عید دخالت مردم در امر حکومت است ، عید آحاد ملت و امت اسلامی است ...

ودائمی باشد ؛ در مورد آن باید متخصص تربیت کرد . اعتقاد راسخ شیعیان به جانشینی امیرالمؤمنان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) متکی بر دلایل متقن و غیر قابل تردیدی است ؛ از جمله حدیث متواتر غدیر که همه محدثین بزرگ اسلام آن را نقل کرده اند . همان معنایی که در ولایت پیامبر گرامی اسلام وجود دارد با معرفی و نصب الهی امیرالمؤمنان با ابلاغ

گر چه به پیروی از امیرالمؤمنین مفتخریم ، لیکن خجلیم از این که با این انتساب ، نمی توانیم مایه آبرو و عزتی برای آن بزرگوار باشیم ...

نبی مکرم ، درباره امام علی (علیه السلام) نیز محقق است . امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) در همه دوران زندگی از جمله جوانی ، ستاره درخشان و بی نظیر « عرصه های مختلف تقوا ، شجاعت ، استقامت ، بصیرت و دفاع از اسلام و پیامبر »

منابع : ۱- سخنرانی رهبر پیرامون عید غدیر ، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۸ .

۲- سخنرانی رهبر در عید غدیر ، ۴ آذرماه ۱۳۸۹ .

# حکایات

خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود :  
یا موسی از شیطان پند بگیر .

حضرت به شیطان برخورد و بعد از مکالمه ای  
گفت : ای شیطان مرا پندی ده .

شیطان گفت : من مظهر « یا مضل » هستم  
و شما مظهر « یا هادی » : من چه پندی به  
شما می توانم بدهم ؟ حضرت فرمود : امر ،  
امر خداوند است .

شیطان گفت : اگر امر حق است ، اطاعت می  
شود . یا موسی : « من » مگو که مثل من  
نشوی ، « انا » گفتن دم شیطانی است .

یرگرفته از کتاب مذهب اهل عشق

از امام رضا (علیه السلام) سؤال شد که چرا به  
مِنی ، مِنی گویند .

فرمود : جبرئیل (علیه السلام) در این مکان  
به ابراهیم (علیه السلام) گفت : ای ابراهیم !  
هر چه که می خواهی آرزو کن و از  
خداوند بخواه .

ابراهیم (علیه السلام) در خاطرش آرزو کرد  
که خداوند گوسفندی را بجای فرزندش  
می فرستاد تا آن را ذبح کند و خداوند  
آرزویش را برآورده کرد .

علل الشرایع ، جلد ۲ ، ص ۴۲۵

به معصوم (علیه سلام) عرض کردند : ما پول  
نداریم انفاق کنیم .

فرمود : قرض کنید و انفاق نمایید .

برگرفته از کتاب مذهب اهل عشق

مفرد مؤنث غائب



رزودی با همکاری و همت طلاب موزه های علمیه :

" مباحثه به بخش فصولی و آذار فواید شد! "

از کنار در کلاس ... رد میشوم ، صدای یکی از طلبه ها که با دهان پُر در حال حرف زدن است و با یکی دو خنده دیگر نائل می شود به خفه شدن ، سرم را مجبور به ورود بدون اجازه می کند! ؛ حلقه ی طلبگی شان آدم را به یاد کهکشان راه شیری می اندازد ، همه چیز معلّق بین هوا و زمین ... هر چه اراده کنی داخل حلقه پیدا میشود إلّا حواس جمع برای مباحثه! : کتاب باز و نیمه باز ... پنیر به علاوه ی خرده هایش روی زمین ... شام شب قبل البته در لباس ساندویچ! ... همراه همیشگی موبایل! ... بچه ای که سرش داخل کیف مادرش است و محتویات کیف در آغوش فرش! یکی در حال نقد فیلم "مختار" است ... دیگری رویای صادقه ی دم سحرش را تعریف می کند و دنبال مُعَبّر است ... و هَلْمَ جَرا .

چشمم به جمال دیگری روشن می شود ؛ معلوم است بین حلال و حرام مرز کشی سختی کرده و صدای استاد که "حرامه کسی بدون مباحثه سر کلاس حاضر بشه " آویزه ی گوشش! ؛ طلبه ی خدا سخت در حال مباحثه با رفیقش " کتاب " است! .

هفته های وسط ترم : ( ساعت : ۸ صبح )

"جان من ، الان استاد میاد ... آبروم میره ... درس نخوندم ... بیا یه کم مباحثه کنیم ... (تو خود بخوان از این مجمل حدیث مفصل را!)

هفته های آخر ترم : ( معروفات به اوقات پنج گانه )

( ساعت : ۹ صبح )

" هر کی می خواد حرف بزنه لطفاً بره بیرون ، الان زنگ مباحثه ست ، اصلاً حرف غیر درسی حرامه ، کتابا باز : مباحثه . "

( ساعت : ۹:۳۵ )

"من نمیخواستم برم ، به آقام گفتم امتحان دارم ، اصرار کرد نخواستم دلشو بشکونم ... ولی خدایی هوای ییلاق خیلی خوب بودا ... " . تمام این درخشش ها که نقل شد مختص یک مدرسه نیست ( خبر از جاهای دیگر نیز کما بیش در آستین تقدیمان موجود است! ) ، به قول شیخ باقر ایروانی " بناءً علی عدم اختصاصه " . نمیدانم راهی کدام دیاریم ... شاید با این درس خواندن های " یک بار مصرف " فقط راهی مدرک آباد باشیم! ؛ به یاد جمله ی حضرت امام <sup>(ع)</sup> می افتم که حضرت ولی عصر <sup>(عجل الله تعالی فرجه الشریف)</sup> در عالم رؤیا به ایشان فرمودند : " خدا را به حقّ طلاب علوم دینی ما قسم دهید و حاجات خود را بخواهید " .

به خود و اطراف که خوب نگاه میکنم دلم به شک میشود که در دایره ی قداستِ طلاب علوم دینی نام ما نیز سند خورده است یا خیر؟! .

## مدرسه علمیّه فاطمیّه (سلام الله علیها) خواهران بندرانزلی



مدرسه علمیّه فاطمیّه (سلام الله علیها) خواهران بندرانزلی ، در سال ۱۳۸۶ تأسیس گشت .

در حال حاضر طلاب خواهر این مدرسه در مقطع سطح دو ، تحت تعلیم اساتید حوزه و دانشگاه ، در حال اشتغال به تحصیل هستند .

این مدرسه با مدیریت سرکار خانم امامی ، دارای معاونین فرهنگی ، آموزشی ، پژوهشی و مسؤل امور مالی می باشد . علاوه برآن با وجود فضای محدود ساختمان ، برای رفاه حال فرزندان طلاب ، مهد کودک نیز تعبیه شده است .

لازم به ذکر است ساختمان جدید مدرسه خواهران بندرانزلی در دست احداث است .

### ذخیره

- مجتمع فرهنگی الزهراء (سلام الله علیها) وقف حوزه علمیّه شد .

مجتمع فرهنگی الزهراء (سلام الله علیها) رمضان المبارک امسال وقف حوزه علمیّه شد .

مدارس علمیّه خواهران و برادران ، فعالیت های فرهنگی خود را اعم از مراسم اعیاد اسلامی ،

مراسمات سوگواری ائمه اطهار (علیهم السلام) ، مراسم بازگشایی مدارس و ... خود را در این مجتمع

برگزار می کنند .

این مجتمع که واقع در میدان بی بی حوریه غازیان است توسط حسین دریابخش ، خیر

شهرستان بندرانزلی ، وقف حوزه علمیّه شد .

- برگزاری کلاس های آموزش نشریه نگاری و روش تحقیق در مدرسه علمیّه فاطمیّه (سلام الله علیها) .

کلاس های آموزش نشریه نگاری به منظور آشنایی هرچه بیشتر طلاب این مدرسه با اصول

صحیح نشریه نگاری با همکاری حسین رحیم نیا - نشریه نگار محلی - در جلسات متوالی در

حال برگزاری است . علاوه بر آن برای اولین بار کلاس های آموزش روش تحقیق توسط ابراهیم

قاسمی روشن - استاد دانشکاه گیلان - در این مدرسه برگزار شده است .



مفرد مؤنث غائب



نیر... نیر... نیر

## موسیقی

آررر ... آررر ... آررر



زهرافولادی مقدم

- ۱- گوش دادن به آهنگی که هیچ گونه توجهی به اشعار همراه با آن نمی شود و یا اصلاً به زبانی خوانده می شود که معنای آن فهمیده نمی شود ، چه حکمی دارد ؟
  - ۲- اگر استماع موسیقی هیچ گونه تأثیری در انسان نداشته باشد ، آیا باز هم حرام است ؟
  - ۳- آیا استماع موسیقی و یا غنا به قصد تفریح ، تفنن و گذراندن اوقات فراغت اشکال دارد ؟
  - ۴- گوش دادن به موسیقی غم انگیز چه حکمی دارد ؟
- جواب ؛ در تمامی موارد مذکور اگر موسیقی از نوع حرام باشد گوش دادن به آن جایز نیست ؛ هرچند در شخص اثر نداشته باشد و یا برای تفنن باشد و اینکه تفاوتی هم بین شاد و یا غم انگیز بودن آن نیست .

در بیان زیان های موسیقی منتشر نموده و در آمریکا هزاران تن از مردم پیرو او شده و موسیقی را بر خود حرام نموده و لایحه مفصلی تهیه کرده به مجلس سنای آمریکا تقدیم داشتند که برای نجات جامعه و جلوگیری از ضعف اعصاب که یکی از بدبختی های دنیای متمدن امروزی است ، لازم

کلمبیا دکتر (( ولف آدلر )) ثابت کرده که بهترین و لکش ترین نواهای موسیقی ، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان می گذارد ؛ مخصوصاً اگر هوا گرم باشد این تاثیر مخرب خیلی بیشتر می شود و در مناطق حاره چون عربستان و بعضی از نقاط ایران منتهای سوء اثر را دارد . دکتر آدلر رساله مفصلی

مضرّات موسیقی حرام ؛ تحقیقات جامعه شناسان این نتیجه را به دست آورده است که موسیقی موجب بیماریهای بسیاری مانند : حمله های عصبی ، ضعف اعصاب بیماری های روانی و قلبی ، زخم معده ، کوتاهی عمر ، خودکشی ، فشارخون ، اغتشاشات مغزی ، هیجانات روحی و جنون ... میشود . پروفیسور دانشگاه

است هرگونه کنسرت عمومی غدقن گردد . همچنین توجه دقیق به بیوگرافی موسیقی دانان مشهور نشان میدهد که در دوران عمر ، به تدریج دچار ناراحتی های روحی گردیده اند تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده و عده ای مبتلا به بیماریهای روانی شده و گروهی مشاعر خود را از کف داده و به دیار جنون رهسپار شده اند . دسته ای فلج و ناتوان گردیده بعضی هنگام نواختن موسیقی ، درجه ی فشار خون شان بالا رفته و دچار سکنه ی ناگهانی شده اند . کوتاه سخن اینکه آثار زیان بخش غنا و موسیقی بر اعصاب تا سر حد تولید جنون و بر قلب و فشار خون و تحریکات نامطلوب دیگر به حدی است که نیاز به بحث زیادی ندارد.

موسیقی سبب کوتاهی عمر از بسیاری از آیات قرآن کریم ( سوره انعام آیه ۶ - اعراف آیه ۹۶ - هود آیه ۵۲ - عنکبوت آیه ۴۰ - طلاق ۲ و ۳ و ۴ - نوح ۱۰ و ۱۲ - ) و روایات ائمه (علیه السلام) استفاده میشود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می

افزاید ولی گناه لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان میکاهد و چون موسیقی گناه محسوب میشود معمولا مروجین موسیقی با وضع نامناسب و عمر کوتاه از دنیا رفته اند . از آمارهایی که از مرگ و میرها در عصر ما تهیه شده چنین استفاده میشود که مرگ های ناگهانی نسبت به گذشته افزایش زیادی یافته است . عوامل این افزایش را امور مختلفی ذکر کرده اند از جمله افزایش غنا و موسیقی در سطح جهان .

توجه دقیق به بیوگرافی موسیقی دانان مشهور نشان می دهد که در دوران عمر ، به تدریج دچار ناراحتی های روحی گردیده اند تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده ...

همچنین توجه دقیق به بیوگرافی موسیقی دانان مشهور نشان میدهد که در دوران عمر به تدریج دچار ناراحتی های روحی گردیده اند تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده و عده ای مبتلا به بیماریهای روانی شده و گروهی مشاعر

خود را از کف . داده و به دیار جنون رهسپار شده اند . دسته ای فلج و ناتوان گردیده بعضی هنگام نواختن موسیقی درجه ی فشار خون شان بالا رفته و دچار سکنه ی ناگهانی شده اند. به اسم های برخی از مشاهیر موسیقی همراه با مدت عمرشان توجه فرمایید :

- ۱- مالیران ، استاد معروف موسیقی در حال خواندن آواز در سن ۲۷ سالگی سکنه کرد.
- ۲- پراگولوزی ( نوازنده ایتالیایی در سن ۲۶ سالگی ) .
- ۳- بلینی ( نوازنده ایتالیایی در سن ۳۴ سالگی ) .
- ۴- شوسون ( نوازنده فرانسوی در سن ۳۰ سالگی ) .
- ۵- نیکلا دوگرینی ( نوازنده فرانسوی در سن ۲۷ سالگی )
- ۶- شوبرت ( نوازنده اتریشی در سن ۳۱ سالگی ) ...

منابع: ۱- کتاب غنا و

موسیقی

۲- سایت تبیان

۳- وبلاگ کشکول طلبگی





امام حسین (علیه السلام)

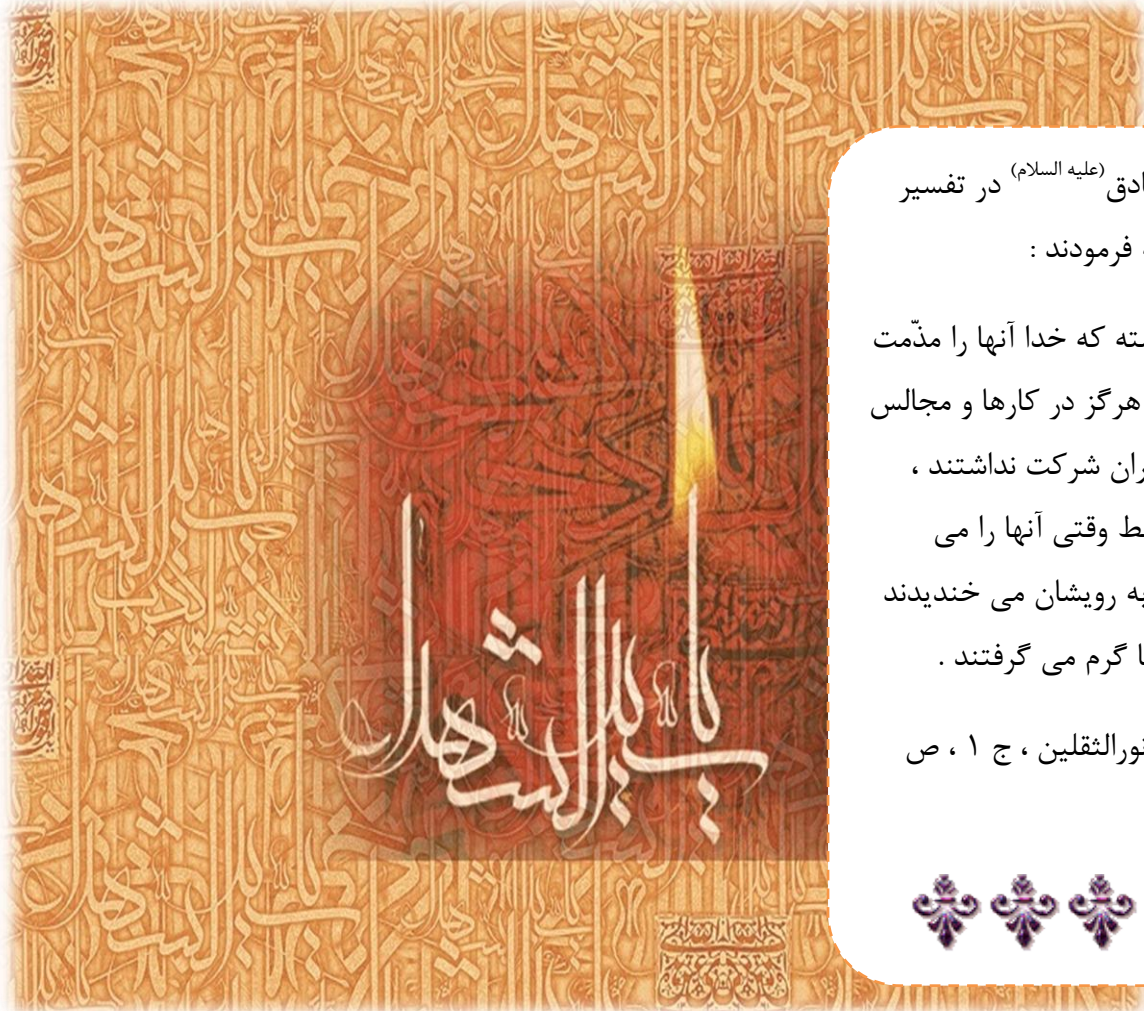
« من برای احیای امر به معروفه و نهی از منکر قیام نمودم »

بتول جمشیدیان

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت نهی نمی کردند ، و آنچه می کردند بسی قبیح و ناشایسته بود .

آیه ۷۹ ، سوره مبارکه مائده



امام صادق (علیه السلام) در تفسیر

این آیه فرمودند :

این دسته که خدا آنها را مذمت کرده ، هرگز در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند ، بلکه فقط وقتی آنها را می دیدند به رویشان می خندیدند و با آنها گرم می گرفتند .

نورالثقلین ، ج ۱ ، ص

۶۶۱



هر یک از عبادات از جایگاه ویژه ای برخوردارند ، مثلاً : نماز ، ستون دین - روزه ، سپر آتش جهنم - زکات ، زایل کننده گناهان - جهاد ، کوهان عظمت اسلام است ؛ اما ، امر به معروف و نهی از منکر که تمام اعمال نیک بندگان و حتی جهاد در راه او در برابر آن دو به اندازه نم دهان در مقابل دریایی پهناور است ، مسأله ایست که متأسفانه امروزه کمتر به آن بها داده می شود ، آن هم به بهانه عدم تأثیر در پی تذکر به دیگران ؛ در صورتی که امام حسین (علیه السلام) دلیل قیام خود را احیاء این فریضه مهم بیان نمودند و سرآخر در کربلا ندیدند جز زیبایی ! .



## هِيَ عَصَايَ ... أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا ...

سونیا سجادی



دلم گرم است به گرمای دستی که تکیه دارد بر جبل الله المتین ... .

رهبر زیاد است اما عیار هیچکدام در مقابل شما ۱۴ نمیشود! رهبری برحق است که بر ره باشد؛ صراط مستقیم و آل عبا شناس باشد؛ سیراب چشمه جوشیده از کوه طور و وادی رضوی باشد ... .

ای زاده خراسان ... یابن الجواد ... ، معاندان : همان هایی که بوی سرسپردگی به ولایت با شامه ی بندگیشان کاملاً غریبه است از کلکسیون

عصاهای نداشته ات میگویند ، اما من تنها در تنها عصایت ، ساده گی را باور کرده ام ... از پرواز با هواپیمای شخصی و خانوادگی تان میگویند ، اما تنها باور من ، پرواز در نماز تان است ... چگونه باور کنم دروغ محض را؟! چگونه؟! ... ذهنم می‌رود به سمت اجاره نشینی فرزندان تان ... آری ، این است حیات و ممات علی وار<sup>(علیه السلام)</sup> .

سید علی ، سید غریب ... بگذار هرچه می خواهند حرف بی سند جعل کنند ، " فلا یجزئک قولهم انا نعلم ما یسرون و ما یعلنون " .

رگ غیرت دستانتان برای ما ملت ، در حکم رگ حیات است ! ولی من ، خیر العمل در عصر غیبت ، در اقتدای به شما خلاصه میشود ، آری ، باید که بی درنگ قد قامت کرد به هنگام فتوای شما ، چرا که حتی علی الفلاح را در آن به وضوح میشود حس کرد ! .

اگر در وصف پدر خانه شنیده میشود که بابا آب داد ... نان داد ... در وصف دستان پدر امت می توان گفت : که بابا " دست " داد ! ... و رای آن " جوانیش " را داد ، آنهم بی هیچ منّتی ! ... بی هیچ منّتی ! .

پس باش تا باشم ! بگذارید نفس هایتان متبرک کنند هوای زندگی مان را ! ؛ تقاضایم از شما مولای من : دیگر در قنوت دستانتان تعجیل در وصال را نطلبید ... و ارحم استکانتنا بعده .. بر بیچارگی ما رحم کنید ...

هرچند که طفلان ناخلف زیاد داشته اید ! هر چند که سمعاً و طاعتاً از ما کم شنیده اید ! ؛ هرچند از شما صدها اشارت ، از ما کمتر به سر دویدن ! ؛ شاید آنطور که باید اصلاح نکردیم الگوی مصرف را ... همتمان در کار مضاعف جمع نشد ... و این اواخر ، مارک لباس برخی هایمان ، آنطور که باید حامی خوبی از کار و سرمایه داخلی نبوده اما به حرمت العفو های وتر خوبان عالم ، العفو مولای من ... العفو . باورت کرده ام رهبر! ... باورت

کرده ام اماما ... نه از سر تعصب بیجا ... نه ارادت شناسنامه ای و وراثتی ... نه ، که عقل حکم راند ، قلب پذیرفت ، آری ... در شبه جزیره ی قلبم ، مهر ولایت طلوع کرد و مرا از دوران جاهلیت بی شما بودن جدا نمود ! .



میداتم وصفی که " کمی " زیاد شود کامتان را تلخ میکند ... پس این بار سمعاً و طاعتاً آقای من ! افسار قلم را خواهم کشید ... بر درِ تحریریه ذهن حک خواهم کرد : تعطیل است ... .  
عرض ارادت آخر اینکه سایه ی " و آن یکاد " بر سرتان مستدام ! ... یدالله باشد و جان شما جانا ...



## ولایت در وسائل

امام باقر ( علیه السلام ) : اسلام بر پنج پایه و ستون محکم استوار گردیده است : نماز که پایه دین است و به صراحت روایات ، مقبول شدن دیگر اعمال مذهبی منوط به قبول شدن آن ، مردود شدن آنها در اثر مردود بودن آن خواهد بود . زکات که خداوند آن را در آیات قرآن مقرون به نماز و بلافاصله پس از آن آمده است . حج ، آن موقف عظیم اجتماعی ، سیاسی که خداوند در قرآن کریم ترک آن را تعبیر به کفر و ویا کفران نموده است . روزه ، عامل تقوی سپر از آتش دوزخ ، و ضامن سلامت روح و بدن ، و حمایت از فقراست . ولایت ، رهبری و زعامت امت اسلامی که از چهار ستون یاد شده اقوی ، اهم ، اعظم و افضل است ، زیرا کلید وصول به دیگر اعمال چهارگانه پیشین بوده و والی ( حاکم و رهبر ) دلیل و راهنمای به سوی آنهاست .

وسائل الشیعه ج ۱ ، ص ۱۹

وقتی ایشان ( مقام معظم رهبری ) برای رهبری انتخاب شدند ، عده ای به آیت الله بهجت ( ره ) گفتند : آقای خامنه ای جوان است برای رهبر شدن ! آیت الله بهجت در جواب آن عده فرمودند : همان یکبار که گفتند حضرت علی ( علیه السلام ) جوان است برای هفت پشتمان کافیست ... .

« قسم »

به والله و به بالله و به تالله  
قسم بر آیه نصر من الله  
که دست از دامت من برندارم  
اگر کشته شوم الحکم لله  
باباطاهر

« اسیر »

فخر است برای من فقیر تو شدن  
از خویش گسستن و اسیر تو شدن  
طوفان زدهٔ بلای قهرت بودن  
یکتا هدف کمان و تیر تو شدن

حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)

« ای شط فرات تشنه کامم ... »

ای شط فرات تشنه کامم  
ای آب حیات تشنه کامم  
هر چند چو دجله در خروشم  
یک قطره هم از لب ت ننوشم  
در غلغله بلا چه کردی  
با ساقی کربلا چه کردی  
عباس امام ساقیان است  
سقای تمام ساقیان است  
مرحوم آغاسی



قسم ...



مفرد مؤنث غائب



« دریاب »

گاهگاهی به نگاهی دل ما را دریاب

جان به لب آمده از درد ، خدا را دریاب

اگر از دولت وصل تو مرا نیست نصیب

گاهگاهی به نگاهی دل ما را دریاب

به امیدی به سر کوی تو روی آوردیم

شهریارا ! به درِ خویش گدا را دریاب

دل ما را به شب هجر فروغی بفرست

شبر و وادی اندوه و بلا را دریاب

سنگها می خورم از دست جنون دل خویش

من دیوانه انگشت نما را دریاب

سال ها رفت که از جام محبت مستم

من دُرّدی کش صهبای ولا را دریاب

محمد علی مجاهدی ( پروانه )

دلم هوای تو دارد

هوای آمدنت ...

# محمد، امیر من است!

دوست دارم کتابتم نیز، کتابت احمدی باشد:

از امت محمد (صلی الله علیه و آله) به خوارج امت موسی (علیه السلام)؛

بزرگان ما چون سردمداران شما نیستند که با پرتاب لنگه کفشی، ضارب را به سلابه بکشند!، نبی ما به عیادت یهودی هتاکی رفت که کارش، ریختن شکمبه از بالای پشت بام بر سر مبارکش بود... از آن پس، رییس قبیله تان دیگر در کیش یهود نبود؛ از امثال شما جدا گشت... مسلمان شد!.

مقام محمد (صلی الله علیه و آله) را از شب معراج باید پرسید، او شاهد بود که فاصله اش با حضرت حق "فکان قاب قوسین أو أدنی" بود!، می خواهی برایت ترجمه عرشی اش کنم؟! یعنی قریب ترین به صفات ممدوحه الهی که - کَلِّهَا مَدْوَحَه - یعنی درختی که شکوفه های ذکرش بی خزان بود، یعنی کوهی عظیم که در پر فشارترین لحظات نیز آتشفشان نشد، یعنی زمینی که گنجینه های علمش را کسی جز علی (علیه السلام) و اهلش نتوانستند به سینه بسپارند - ای وای بر من و امثله من که چه می گویم - سینه مُشْرِحِ مُحَمَّد (صلی الله علیه و آله) کجا و یک وجب آسمان و عجایبش کجا!؛ که حضرتش فرمود: اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، هرآینه آن را خاشع و متلاشی از خوف الهی می دیدی...، آری قدر قلب محمد (صلی الله علیه و آله) را سنگریزه های حراء می دانند که چه آسان رحل قرآن گشت - آنهم به یکباره، در یک شب! - و ما ادراک ای یهودی صهیون که کیست محمد (صلی الله علیه و آله)! و ما ادراک!.

بعد از بعثت مبارک حضرتمان به رسالت، ملعون قصه آدم و حوا - ابلیس رجیم - برای تسلی ناله اش که علی (علیه السلام) نیز شاهد و سامع آن بود به دنبال أعوان و انصار مخلصی می گشت تا که امروز اینچنین بی حرمتی را به اوج رسانده و در رکابش باشند، تا لحظه وصول به درک بی مصاحب نباشد! و چه کسی باعیارتر از شما نوادگان یهود منافق در خبائث! شما را برگزید... و چه نیکو فرمود حضرت حقش در وصف شما: "لتجدن اشد الناس عداوه للذین امنوا والذین اشرکوا... (سوره مبارکه مائده-آیه ۸۲). خواستم بگویم کار ما به سُخریه گرفتن تقدّسات کسی نیست - البتّه اگر تقدّسی در کار باشد! -

محمد مصطفی



چند صفحه از گذشته تان را ورق زدم ، انگشتان دستم آغشته به خون شد ! ؛ بوییدمش ... بوی به ناحق ریخته شدن می داد ! مظلومان فلسطینی ... آتش در برار سنگ ! این است نهایت گفتگوی تمدن شما جماعت صهیون ! .

اما تو ، آمریکایی بت پرستی که مجسمه آزادی ، لات و هُبل ات است ! ، گدایان دوره گرد را دیده ای ؟! ، یکی می نوازد و آن یکی کاسه به دست ، بهای هنر رفیقش را تکدی می کند ! ؛ جایزه اُسکار را از ابلیس گرفتید ؟! ؛ هر چند که صهیون بدبخت همیشه تاریخ ، به گرفتن یک وجب جا برای نشستن هم راضی بوده ! ؛ کافیت یک تکه سند نشانش دهی ؛ خواهی دید که چطور برایت دُم تکان می دهد و روی دو دست می ایستد ! .

گمان کردید با هتّاکی شما ، نبیّ ما از عرش هبوط می کند یا که آیاتِ در مدحش را نسخ می کنید و از یکصد و چهارده سوره قرآنمان یکی حذف می شود ! . خیالتان باطل ، گمانتان سرداب که غلظت شهادت ما به رسالت ایشان ذره ای رقیق نخواهد شد : " أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ " . قسم به آن خدایی که عزّت محمد (صلی الله علیه وآله) در دست اوست ؛ نبیّ ما یک پیامبر جهانی است چرا که خداوند علی الاعلی در مدحش فرموده : " وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ " بدانید که زمانه ، زمانه ای نیست که موسی به دین خود باشد و عیسی به دین خود ! ؛ وقتی امام جماعتِ افضل و اعلمی چون حضرت ختمی مرتبت مبعوث گشته اند هر دو باید به صراط اسلام باشند .

و اما اگر اینبار قصد کردید شاهکار دروغین دیگری ببافید ، بد نیست کمی تاریخ تمدن بخوانید ؛ ببینید سال ها پیش ، آن زمان که مسلمانان از شرق تا آندلس را فتح کرده ، در پی کسب علم - ولو در چین - بودند ، اجداد اسب چران شما به فکر ازدیاد چهارپایان و احشامشان بودند ... لوک های خوش شانسی که آبشخورشان ، کاکتوس های بیابان بود ! ؛ روزشان را با دوپل شب می کردند و عشقشان چرخاندن هفت تیر کمر بود ! .

باشد ... بسازید و ببافید و منتظر باشید که ما نیز از منتظرانیم ! به انتظار منجیبی که او را " یابن رسول الله " خطاب می کنیم ... سال هاست در ندبه جمعه هایمان به دنبال " معزّالاولیاء و مذلّ الاعداء " می گردیم ، همان مُعدّی که قرار است با آمدنش ، " قطع دابرالظلمه " را به تماشا بنشینیم ... آری ما نیز از منتظرانیم !

سونیا سجادی

آن قدر پشت ظرف های مسی اجدادمان صفحه گذاردند که ما هم باورمان شد ؛ تفلون های موگد سرطان ، شدند سوگلی آشپزخانه های اوپنمان ! ؛ گل های قرمز قوری مادر بزرگ به خزان نشستند و سماور برنجی آقاجان هم چند سال قبل تر از خودش بازنشست شد و حالا چای سازهای عصبانی با چند شیفت کار اضافه ، امراض چای سیاه را برایمان چندین برابر می کنند ؛ انگشت ها دیگر حالی برای حمل و نقل لقمه ها به سمت دهان را ندارند ؛ کمتر کسی به این سنت نبوی پایبند است ؛ اکثراً سبک لُردهای اروپایی را با شأنشان سازگار می بینند ، بی آنکه بدانند با هر قاشق آلومنیومی، جُرعه ای سرب را وارد بدن خود کرده اند ؛ دیگر آش مادر بزرگ هم مثل خیلی



ذوب شدن تکه های یخ و سریعتر از موعد مقدر ، بروند به سوی چار دیواری زیر زمینی شان ! .

بین که سال هاست استعمار - در باب تغذیه - نقش گارسون دستمال به دست را برای من و توی جهان سوومی بازی می کند و پیاله پیاله " بخور و بخواب و کاریت نباشد

گل های قرمز قوری مادر بزرگ به خزان نشستند و سماور برنجی آقاجان هم چند سال قبل تر از خودش بازنشست شد...

می دانی با اکل و شرب ما چه کرده اند ؟ : حرمت عرقیاتِ حلال ما را شکستند ؛ آب از روی آن ها به زمین ریختند ... بیدمشک و ترنجبین و کاکوتی جایشان را به دلستر و لیموناد و نوشابه های بی خاصیتِ گازدار دادند و برایمان ارمغانِ امراض قندی و پوکی استخوان و چاقی مفرط و شکم های برآمده را آوردند ؛



الهی این آدمیزادگان که با خوردن گوشت بره گوسفند تا به این حد درنده خو شدند ، اگر گوشت شیر و ببر و پلنگ را بر آنان حلال می فرمودی چه می شدند ! .  
(اعلی الله مقامه )

خودمانیم ، دوست داری از کدوی حلوائی و خواص هویج برایت بگویم یا اینکه یک دهان ، میوه ها را باید شست ... جور دیگر باید خورد برایت بخوانم؟! اما نه ، بهتر است از مکرری که این بار هم از گور صهیون آواره بلند می شود و سالهاست گریبان جسم تک تکمان را فرا گرفته ، بشنوی !

" آواره " فهمیده بود که برای ویرانی روح ، باید از کندن پی جسم شروع کند و پیکرهای غیر خودی را با ناخن خیانت ، طوری بتراشد تا بی صداتر از





مبارک برخی هایمان غاز بوده و به جای چراندن و پروارندن غاز خود ، شب ها خواب تخم طلای مرغ همسایه را می بینیم ! چشممان همواره به دستی است که مویش بور و آستینی با مارک هفت پشت غریبه غربی به تن دارد ! . من و توی مسلمان ایرانی باید از سرکار بودنی که استعمار ، واسطه اش بوده استعفاء دهیم ! دیگر وقت آن رسیده انقلابی را از مطبخ ها شروع کنیم تا جاده های منتهی به گذشته درخشانمان دوباره آباد شوند ... بسم الله .

سونیا سجادی

کنیم اشرف مخلوقات ! . راستش در آشفته بازار امروز ، دیگر روا ندیدم با تکرار صفحاتی که تنها رنگ رخسار نشریه مان را به سمت زردی می کشانند ، حرفم را در برشمردن خواص فلفل دلمه ای و قارچ دکمه ای و ... خلاصه کنم و فقط یک صفحه به حجم صفحاتش اضافه کنم . در باب طبّ و تغذیه و امثالهم ، بزرگان کثیری از ایران زمین ، همواره بر صدر منبر بوده اند : ابو علی ها ... جرجانی ها و دیگر شاگردان مکتبخانه اسلام؛ اما صدها



حیف و مع الأسف که از قدیم الایام مرغ همسایه در دید

خوردنی ها ، دهانی برایش آب نمیافتد ؛ چون پنیر ندارد که با گرم کردنش کش بیاید ! ؛ کراهت گوشت گاو را به کرات برایمان گفته اند ، اما کمتر مانند آن عالم بزرگ ، عمل کردیم که با خوردن به اشتباه آن ، حالش دگرگون شد و به چله نشست تا حال خوش از دست رفته اش دوباره رجعت کند . رفیق عزیز بی خیالی می گفت ؛ شکم ، شهر نیست که باب داشته باشد ، نگهبان بخواهد ... لقمه که حلال شد همه چیز حل است ! ... اما هر چه فکر کردم دیدم که نه ... اگر شهر نبود و باب نداشت که اینتقد با مستحبات قیدش نمی زدند ، جمله اول را خواندی ؟! ، اگر ورودی دهان بی در و پیکر باشد که دیگر هیچ ، هر درنده خوبی را می شود به سیخ کشید و از آن هم درنده خوتر شد ! حرام و حرمت استعمال آن در جای خود ؛ اما هر مباحی هم در شأن من و تو نیست که بخواهیم به سمتش دست دارز

## اکسیرا رامش ...

زهرا فولادی مقدم

در دنیای ماشینی امروز که اکثراً به فکر سرعت در کار و سود بیشتر هستند ، آنچه نادیده گرفته می شود " البته " جسم و روان آدمی است ؛ اگرچه به ظاهر تمام تلاش خود را می نمائیم که زندگی راحت ، برای خود فراهم کنیم ولی غالباً آنچه در این مسیر گم می شود " خودمان " هستیم . و هنگامی که روح لطیف خود را آزرده به فکر چاره می افتیم و البته باز می خواهیم در زمان کوتاهی و به سرعت آنرا ترمیم کنیم ؛ آنهم به چه روشی ؟ شیوه های مختلفی مانند راه های آرامش بخش شرقی و غربی ، داروهای شیمیایی و برخی تفریحات ... !!! .براستی اگر اینها راه حل واقعی هستند چرا همیشه موثر نیستند ؟ چرا کوتاه مدت آنهم نه به صورت کامل ! و البته مثل همیشه در بحبوحه دانش وارداتی ، آبی که در کوزه خود بود از دیگران خواستار شدیم ! . امام صادق (علیه السلام) از کتاب جاوید ، آیاتی را که در مواجهه با برخی معضلات فراروی انسان است معرفی می نمایند :

در شگفتم برای کسی که **طالب** زرق و برق دنیا گشته چگونه به ذکر « ماشاء الله لاقوه الابلله » (کهف ۳۹) پناه نمی برد .

در شگفتم برای کسی که **اندوهگین** است ، چگونه به ذکر «لاله الانت سبحانک انی کنت من الظالمین» (انبیاء - ۸۷) پناه نمی برد .

در شگفتم برای کسی که مورد **مکر و حيله** واقع شده ، چگونه به ذکر « افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد » (غافر - ۴۴) پناه نمی برد .

در شگفتم برای کسی که **ترس** بر او غلبه کرده ، چگونه به ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» (آل عمران ۱۷۳) پناه نمی برد .



## یک قطره پند ...

- عربستان سعودی منع کرده بود ورود زنان و دختران بدون محارم را .

با برادرش راهی بیت الله الحرام شد .

نمی دانم برای چه ! ... ظاهرش به این حرف ها نمی خورد ... باطنش را هم : الله اعلم ! .

حرمت رانتواسته بودند نگاه دارند ... هر دویشان ... کنار حرم امن الهی ... زنای با محارم ... نه یک بار ! ... .

نامش هم شرم آور است ... استغفرالله ... اعوذ بالله ...

راستش را بخواهی آنها فقط غیبت کرده بودند ... آنچه گفتم صورت ملکوتی عملشان بود :

" الغیبه أشد من الزنا "

بد جور دعوایمان کرد ... وسط سخنرانی رو به جمعیت گفت : خانم ها بفرمایید میکروفون ! آخر بعضی ها داشتند وسط خطابه اش با بغل دستیشان حرف می زدند!

### سونیاسجادی

قشنگ قرآن می خواند ... از حفظ ! پشت سر هم ! ... هم قرآن می خواند هم برنامه فردا را می چید ... دوشنبه : فلسفه ، ... اقتصاد ، ... .

نگاهش کردم ... داشت حرف میزد ... با بغل دستی اش ... وسط خطابه سخنران دوّم !

سوره قرآنی که می خواند حمد نمازش بود ! ، همیشه همینطور بود ، از حفظ پشت سر هم ! .

۱۱ شهره شهر ... ۱۲

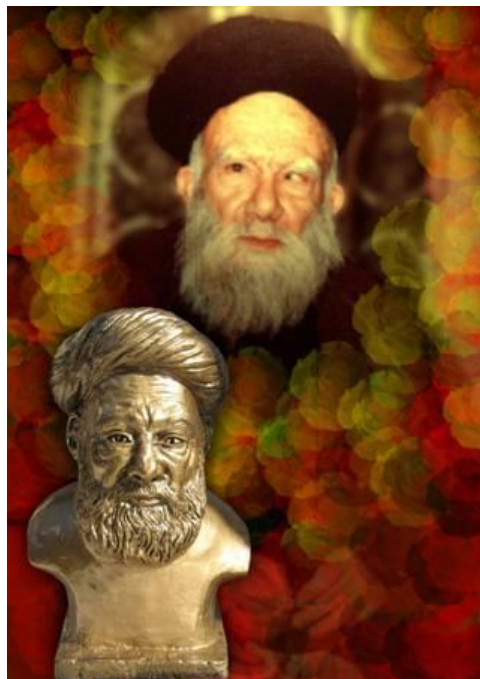
## خانم بی بی حوریه :

این بقعه متبرکه در شالور ، کنار جاده انزلی - رشت قرار دارد و گفته می شود آرامگاه خواهر امام رضا (علیه السلام) و از دختران امام موسی کاظم (علیه السلام) است . بقعه ، تأسیساتی از قبیل زایرسرا ، مسجد با دو گلدسته بلند و زیبای کاشی کاری شده ، سرایداری عمومی و پارکینگ دارد .





## مرحوم آیت الله سید محمد نجفی



منم که شهره شهرم به عشق و رزیدن / منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن ...

آیت الله سید محمد نجفی معروف به آقا سید نجفی در سال ۱۲۷۵ شمسی در نجف اشرف (عراق) دیده به جهان گشود.

ایشان از نوادگان حضرت حسین بن علی (علیه السلام) هستند.

دروس ابتدائی و سطح را نزد پدرش سید حسین حسینی بادکوبه ای که خود از استادان بزرگ و نامی در حوزه علمیه نجف اشرف بود، فرا گرفت.

ایشان تا سن ۳۰ سالگی در نجف اشرف اقامت داشتند، سپس به ایران مهاجرت کرده و در بندرانزلی سکنی گزیدند و درطول زندگی در این شهر به تدریس علوم حوزوی و تبلیغ امور دینی اشتغال داشتند. سید محمدهادی میلانی یکی از شخصیت‌های بزرگ حوزه‌های علمیه در ایران، در خصوص شخصیت منحصر به فرد سید محمد نجفی<sup>(ره)</sup> فرموده است: «آیت الله سید محمد نجفی در صورت اقامت در قم در ردیف مراجع بزرگ تقلید مطرح می شدند».

آیت الله سید محمد نجفی به دلیل ساده زیستی به "پابرهنه آقا" معروف بود و در نهایت زهد و سادگی و تواضع با محبوبیت و احترام بسیار در بین مردم بندرانزلی زندگی می کرد و سرانجام در روز ۱۶ مهرماه ۱۳۵۷ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و پیکر مطهرش در مسجد «سامانسر» غازیان انزلی که بعدها به نام خود وی تغییر نام یافت به خاک سپرده شد.

فیلم سینمایی از زندگی و کرامات ایشان در حال ساخت می باشد.

سالانه افراد زیادی از سراسر ایران برای زیارت قبر سید محمد نجفی راهی بندر انزلی می شوند و آرامگاه وی یکی از جاذبه‌های دینی، گردشگری شهر انزلی محسوب میشود.



مهرناز زیادی

## بازاری که کساد است!

جناب مهندس " ... " ، مسأله! خانه از کجا خراب است؟! ... از پایه؟! ... وشاید نه ، کمی قبل تر از این حرف ها ، شاید بتوان مهندسی و طراحی آن را متهم کرد ... وشاید نه ، باز هم قبل آن ! نکند عیب در نوع مسلمانی ما باشد ، شما چه فکر می کنید ؟ اینطور نیست؟ جناب مهندس " ... " ، دلم خون است از عمه ها و خاله های برنامه های کودک که کم کم در حال ورود به وادی آواز هستند ، از عموهایی که حرکات موزون دست و پایشان ، ذهن آنها را که از فرکانس های ماهواره انرژی می گیرند نه نور بین الطلوعین به سمت رقاصه های آن سوی آنها می کشاند ! ... ؛ از موسیقی های حرامی که با وجود منع علماء و دادن حکم به حرمت آنها ، بی هیچ دغدغه ای با گوش ها آشناست ! . آیا این است مدیریت اسلامی که پیر جمارانمان ، سال ها تبعید را برای رسیدن به آن ، به جان خریدند ؟ آیا این ، همان جعبه ایست که قرار بود دانشگاهمان شود؟! جناب مهندس " ... " ، شرع ، ورود به دانشگاهتان را حلال می داند یا حرام؟! ... کیست مرا یاری کند در گرفتن جواب؟! آیا کسی هست که حروف استفهام و تعجب ذهنم را تبدیل به حرف ردع و انکار کند؟! ... اگر حرفی منطقی برای گفتن باشد ، حاضرم دندانم را برای شکستن بدهم ! جناب مهندس " ... " ، فاین تذهبون ! . آیا این است اسلام بروز محمدی (صلی الله علیه و آله)؟! ، من نمی توانم باور کنم که اگر زهرای اطهر (سلام الله علیها) در زمانه ما می زیستند و دوران طفولیت فرزندانشان بود ، کودکان خود را در پای برنامه های پُر کف و سوتِ

سیمای امروز می نشانند ، همان طور که برخی از علمای زمانه ، اجماعشان این است . جناب مهندس " ... " ، کار ما نقد کسی نیست ، اما گاهی که کتاب ها و احادیث را تورق می کنم ، به باید ها و نباید هایی می رسم که نمی دانم در کجای برخی برنامه های در حال پخش شما جای دارند ! مردان در لباس زنان ! زنان در هیبت مردان ! حتما شما نیز حدیث حرام بودن عمل و خلود در جهنم اینچنین افرادی را خوانده اید ، استهزاء و به سُخریه گرفتن عده ای به بهانه نقد ! شاید برخی به آن بخندند ، اما بهترین راه ها را برای تمسخر دیگران ، به کودکان آموزش می دهند ، جناب مهندس " ... " ، حتما از حفظید : ویل لکل همزه لمزه . شاید من اشتباه می کنم ! ، لااقل شما برای تعریف کنید که در فرهنگ سیمای شما ، در مقابل کلمه طنز چه نوشته اند . جالب است ، اخیراً نویسندگان طنزتان بعلت کمبود سوژه و شخصیت ، زندگینامه بزرگان دین را ورق می زنند ! آیا می شود در قایی ، قداست مقدس اردبیلی ها را به بازی گرفت و در پنجره ای دیگر برای گرفتن زهرِ اهانت ، چنین وچنانی شیخ را به تکرار گذاشت ! نه جناب مهندس " ... " ، ساحت مقدس کسی ، چای تلخ نیست که برای شیرین کردنش شکر تملق به آن بیافزاییم ؛ مردم ما دقیق تر از این حرفهایند ... هنوز هم مؤمنینی هستند که جوهر فتوای عالمان ، برایشان قداست دارد ! قلیانی را که دودش ، چشممان را نشانه گرفته باید شکست ... " الله اکبر ... الله اکبر ... خامنه ای رهبر " ... . براستی چرا ترازو



## سیمای عزیز :

### این ره که تو می روی به ترکستان است !



میزان صادرات و واردات در وادی حرفه شما با هم نمی خوانند ؛ صادراتمان ذره و مثقال ، از آن طرف واردات کیلو و تُن ! . فیلم های گُره ای که چند سالیست هوش از سر برخی هموطنانمان ربوده چه برای گفتن دارند که جوهر " تمام شد " یکی خشک نشده " تقدیم می کند " آن یکی بر صفحه تلویزیون حک می شود ! ؛ نوجوان ما با پاس کردن واحدهای اینچنینی در دانشگاه شما ذهنش درگیر چه می شود !؟ زن باره گی پادشاهانی که معشوقه هایشان کنیزکان دربارند و همواره به دنبال مؤنث هاییند تا برایشان مذکری به بار بیاورند !؟

آزادی رابطه مردان متأهل با دخترکان در نیمه های شب !؟ رکوع و سجود رعیت های شاه پرست و اینکه بگویند : پادشاه دیگر لبخند نمی زند ؛ دیگر به چه امیدی زندگی کنیم !؟ صدها هیئات جناب مهندس ... هیئات ! در اتاق فکر ورود اینچنین برنامه هایی ، جایی برای نشستن اسلام تعبیه شده است !؟ نبی ما فرمودند علم را جستجو کنید ولو در چین ؛ اما نه علم و فرهنگی را که مسموم به کفریات و ارزش های ضد اخلاقی است . آخر شما بفرمایید این افسانه ها با کدام قسمت از ولایت علوی ما شیعیان سازگار است جناب مهندس "..." " ... دلم خون است ! فاین تدهبون .

سونیا سجادی



أَيِّنَ  
السَّبَبِ  
الْمُتَّصِلِ  
بَيْنَ  
الْأَرْضِ  
وَ  
السَّمَاءِ...



رموز تشریف به حضرت یکر

(۱) رموز کسب رضایت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

(۲) چه کنیم که قلب مبارک آن حضرت را خشنود سازیم؟

(۳) وظیفه ما چیست؟

(۴) چگونه میتوان خدمت مولا رسید؟

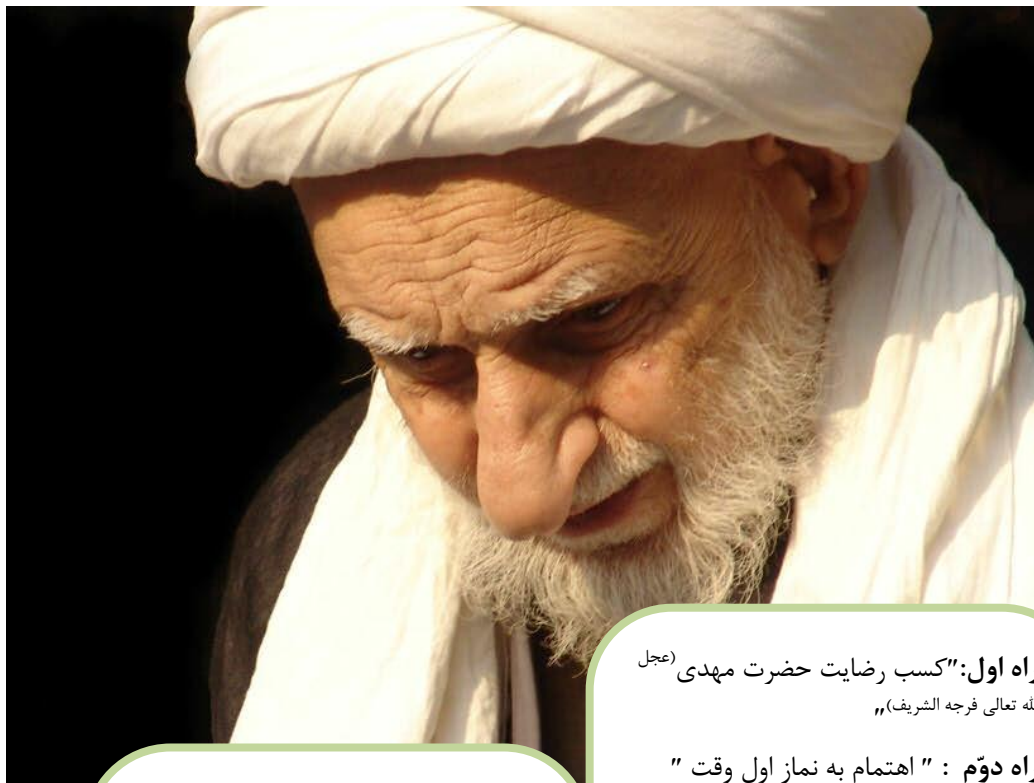
راه هایی را از زبان حضرت آیت الله بهجت (ره) برای  
دوستان عزیز، مکتوب کرده ایم که انشاءالله ادامه آن  
ها در شماره های بعد خواهد آمد .

منابع :

۱- کتاب جرعه ای از وصال

۲- کتاب مذهب اهل عشق





اولین و مهمترین چیزی  
که آقا از ما انتظار دارند  
، اهمیت دادن به نماز ،  
بخصوص نماز اول وقت  
است ...

مهرناز زیادی

نماز آقا بالا می رود . پس ، از این به  
بعد بشتابیم به سوی نماز اول وقت ، و  
حتی الامکان با جماعت إنشاءالله تعالی !  
. آن وجود مبارک می فرماید : " نماز  
بخوانید ، زیرا نماز ، بینی شیطان را به  
خاک می مالد " ... .

۳- مقید بودن به نافله شب و قضا کردن  
آن در صورت خواب ماندن، که به قول  
حضرت ایت الله جوادی آملی ، انسان  
بدون نماز شب هرگز به کمال نمیرسد  
در تشریفی که آیت الله مرعشی نجفی ،  
به محضر امام عصر ( ارواحنا فداه ) داشتند ،  
آن حضرت ، خطاب به ایشان در مورد  
اهمیت نماز شب فرمودند : نماز شب را  
ترک نکن و به آن بسیار اهمیت بده :  
حیف است اهل علم ، آنهایی که خود را  
وابسته به ما می دانند ، به خواندن نماز  
شب مداومت نداشته باشند.

نشویم و آنچه مرتکب میگردیم و قصد بر  
انجام آن میگیریم ، ابتدا به یاد حضرت  
مهدی (عج) بیافتیم و ببینیم که آیا مولا و آقا  
رضایت دارند یا خیر ؟ و بدانیم که رضای  
مهدی (عج) رضای خداست ... .

۲- اولین و مهمترین چیزی که آقا از ما  
انتظار دارند ، اهمیت دادن به نماز ،  
بخصوص نماز اول وقت است . بعضی از ما  
فکر میکنیم بالاخره هر موقع شد نماز را  
می خوانیم ، اگر دوازده شب هم شد  
اشکال ندارد ، ولی بد نیست بدانیم روایت  
شده که ؛ وقتی ملائکه نماز آخر وقت را  
بالا می برند ، ندا میرسد : " آن را  
برگردانید و به فرق سر صاحبش بکوبید " !  
؛ پس وای بر حال ما که هرگز به نماز  
اول وقت اهمیت نمیدهیم و امکان جماعت  
داریم ، ولی شرکت نمیکنیم . اگرما نماز  
اول وقت بخوانیم ، احتمال بالا رفتن آن و  
مقبولیتش هست ، چون در آن لحظه  
کاملترین انسان روی زمین و حجت خدا  
بر مخلوقات عالم هستی ، حضرت مهدی  
(صلوات الله علیه) به نماز اول وقت میایستند و  
إن شاءالله نماز ما هم در آن لحظه همراه

راه اول: "کسب رضایت حضرت مهدی (عجل  
الله تعالی فرجه الشریف) "

راه دوم : " اهتمام به نماز اول وقت "

راه سوم : " اهتمام به نافله شب "

راه چهارم : " انس با خدا "

راه پنجم : " صدقه دادن برای سلامتی آن  
حضرت "

راه ششم : " دائم الوضو بودن "

راه یازدهم : " پرداخت به موقع خمس "

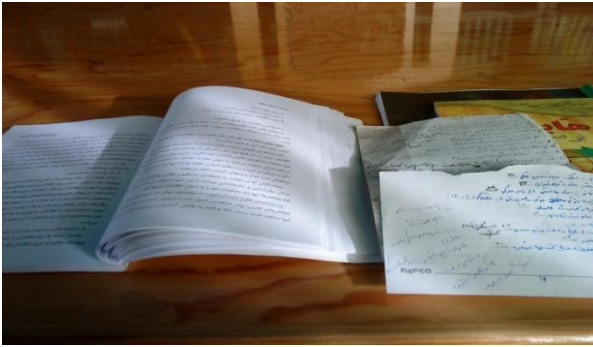
راه دوازدهم : " کمک به فقراى آبرو مند "

راه سیزدهم : " عدم ترک دو فریضه ی  
واجب " : امر به معروف و نهی از منکر.

راه چهاردهم : " پرهیز از تجملات بی  
مورد

"راه پانزدهم : " پرهیز از تکبر  
"راه شانزدهم : " نائب الزیاره آن حضرت  
شدن "

**توضیحات** : ۱- امروزه طبق حدیثی از  
معصوم (علیه السلام) ، دین نگه داشتن ، از نگه  
داشتن گلوله ی سرخ آتشین بر کف دست  
به مراتب مشکل تر است ! با این حساب ،  
ما باید به قول معروف ؛ بیست و چهار  
ساعت حواسمان جمع باشد که به دام  
شیاطین و انسان های شیطان نما گرفتار



# هجواری کتاب

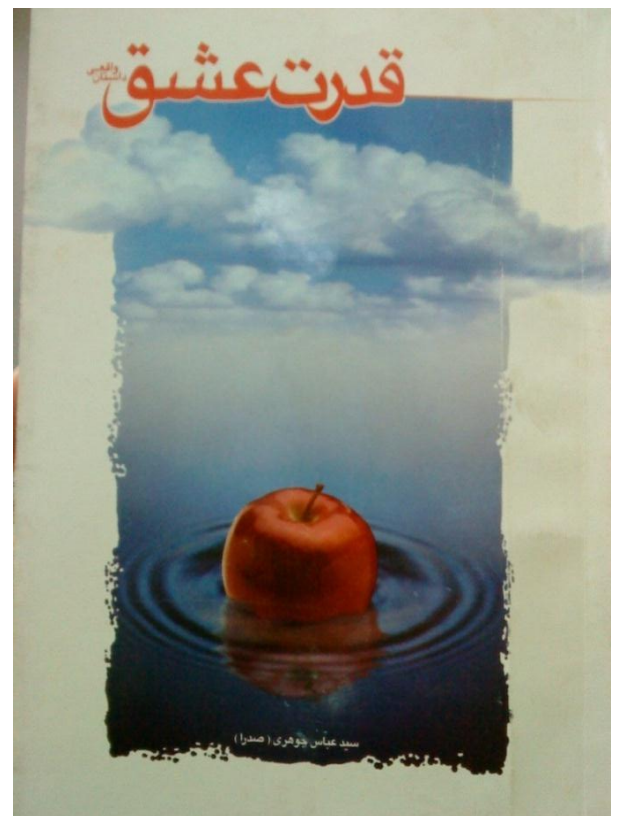
نام کتاب : قدرت عشق

نویسنده : سیدعباس جوهری ( صدرا )

ناشر : انتشارات ظفر

سال چاپ : ۱۳۸۲

این کتاب داستانی حقیقی از زبان طلبه ای است که در مدرسه علمیه حقانی قم تحصیل می کرده است . شخصیت اصلی داستان طلبه ای ۱۸ ساله به نام قدرت الله امیرخانی است که سال دوم طلبگی او بوده است . طلبه ای پرکار ، معنوی ، درسخوان و خوش برخورد که مورد علاقه شدید سایر طلاب بوده ، اما به علت حادثه تصادف به کما رفته و پس از چندروز از دنیا می رود . اوایل داستان بیشتر به ذکر خصوصیات اخلاقی قدرت الله می پردازد و سپس ماجراهایی که در ضمن غسل و کفن و دفن او رخ داده است بیان می شود . در قسمتی از این داستان می خوانیم :  
اعلامیه را گرفتم ، داشتم شاخ در می آوردم . جمله عجیبی از آیت الله بهجت در اعلامیه جلوه نمایی می کرد ، نوشته بود : "ایشان ( قدرت الله ) قطعاً تاج شهادت به سر خواهد داشت و ان شاءالله مأجور خواهد بود " . پس از پرس و جو از رفقا فهمیدم که وقتی بچه ها خبر فوت قدرت الله را به آیت الله بهجت (ره) دادند ایشان متاثر شده و جمله فوق را فرموده بودند و از تقاضای بچه ها جهت اقامه نماز بر جنازه قدرت الله استقبال کردند .



بتول جمشیدیان



## ساعات مخصوص توسل

مفرد مؤنث غائب

۱- ساعات آخر شب ، یک ساعت قبل از طلوع فجر توسل به حضرت زهرا (علیه السلام) : به جهت رحمت و مغفرت .

۲- طلوع فجر تا طلوع آفتاب ، ساعت توسل به جناب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) : برای رفع ظلم ، انتقام و دفع مکر .

۳- از از طلوع آفتاب ساعت توسل به امام حسن (علیه السلام) : برای رفع ظلم ، انتقام و دفع مکر .

۴- از ساعت سوّم ، از تابش شعاع خورشید تا بلند شدن از روز ، مختص به امام حسین (علیه السلام) : به جهت رحمت و مغفرت الهی .

۷- از چهار رکعت مانده به نماز ظهر تا وقت نماز ظهر ، زمان توسل به امام صادق (علیه السلام) : به جهت توفیق یافتن بر وظایف و عبادات و اداء سنن و ترک محرّمات .

۶- از اوّل زوال تا هشت رکعت نماز نافله ظهر ، توسل به امام باقر (علیه السلام) : به جهت توفیق کسب علم و معرفت .

۵- ساعت بعدی ، از بلند شدن روز است تا زوال آفتاب ، توسل به امام سجّاد (علیه السلام) : ایمنی یافتن از شرّ سلطان جائر و شیطان و معزز بودن در نظر سلطان .

۸- قبل از زردی آفتاب زمان توسل به امام حسن عسگری (علیه السلام) : از برای درست شدن کارهای دینی و دنیوی و غلط نشدن آن و مسرور بودن در همه اوقات .

۹- از ساعت هفتم و بعد از فراغ شدن از نماز ظهر تا چهار رکعت از نافله عصر ، زمان توسل به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) : برای شفای امراض و بیماری و دفع امراض باطنی و ظاهری .

۱۰- ساعت هشتم از چهار رکعت نافله عصر است تا فراغ از نافله عصر ، توسل به امام رضا (علیه السلام) : برای سلامتی در سفر - چه دریا و چه خشکی - و رسیدن به وطن و خلاصی از غم و اندوه و غربت .

۱۱- از ساعت نهم بعد از فراغ از نماز عصر تا انقضای سه ربع ، زمان توسل به امام جواد (علیه السلام) : برای یافتن گنج ، قناعت و رسیدن به نعمت های پی در پی و توانگری و بخشش .

۱۲- ساعت دهم ، از ابتدای ربع آخر روز است تا یک ساعت به زردی آفتاب که زمان توسل به امام لی النقی (علیه السلام) است : از برای استعانت بر اداء حقوق خواه از مؤمنین و مؤمنات و نوافل و رد مظالم .

۱۳- از زردی آفتاب تا غروب زمان توسل به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) : به جهت پیروزی یافتن و ظفر بر اعداء در جنگ و ... و اداء قرض و روی نمودن فتوحات .

منبع : جنّات الخلود